

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. A)

رشته مطالعات منطقه ای

موضوع:

**امنیت سازی نو محافظه کارانه :**

**جنگ جهانی علیه تروریسم**

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر مصطفی ملکی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید علی مرتضویان

پژوهشگر :

علیرضا آگاهی

سال تحصیلی:

تابستان ۹۰

تقدیم می شود به :

تمامی شهدای راه حق و حقیقت، به ویژه

امیر سپهبد شهید علی صیاد شیرازی

و

سرلشکر پاسدار شهید حسن باقری

## تعه‌دنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجان‌ب علیرضا آگاهی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۱۳۵۵۰۰ در رشته مطالعات منطقه ای در تاریخ ۹۰/۴/۱۵ از پایان نامه خود تحت عنوان امنیت سازی نومحافظه کارانه : جنگ جهانی علیه تروریسم با کسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

۱- این پایان نامه حاصل تحقیق رو پژوهش انجام شده توسط اینجان‌ب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست ذکر و درج کرده ام.

۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴- چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجان‌ب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ ۹۰/۴/۱۵

علیرضا آگاهی دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره  
به حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....

### فصل اول : سه روس در مطالعه امنیتی

۶.....	۱ - ۱) روش اثباتی.....
۹.....	۲ - ۱) روش تفسیری.....
۱۱.....	۳ - ۱) روش انتقادی.....

### فصل دوم : محیط امنیتی ؛ چهارچوبی برای تحلیل رفتار امنیتی

۱۶.....	۱ - ۲) شناخت محیط و ابعاد آن.....
۲۲.....	۲ - ۲) مجموعه امنیتی منطقه ای.....

### فصل سوم: تروریسم، ریشه ها، انواع و شیوه های آن

۲۷.....	۱ - ۳) تروریسم ؛ یک تاریخچه ی مختصر.....
۲۸.....	۲ - ۳) مفهوم شناسی تروریسم.....
۳۰.....	۳ - ۳) انواع تروریسم.....
۳۶.....	۴ - ۳) تروریسم جهانی ؛ چیستی.....
۳۸.....	۵ - ۳) تروریسم جهانی ؛ چرایی و چگونگی.....
۴۹.....	۶ - ۳) ابعاد تروریسم.....
۵۱.....	۷ - ۳) مصادیق تروریسم.....
۵۲.....	۸ - ۳) چرا تروریسم : ریشه یابی وقوع اقدامات تروریستی.....
۵۲.....	۱ - ۸-۳) ریشه های روانی تروریسم.....
۵۵.....	۲ - ۸-۳) ریشه های سیاسی تروریسم.....

۵۷	.....ریشه های اقتصادی تروریسم.....(۳-۸-۳)
۵۹	.....ریشه های دینی و مذهبی تروریسم.....(۳-۸-۴)
۶۰	.....آمریکا و تعریف تروریسم.....(۳-۹)
۶۵	.....دلایلی ظهور تروریسم و اقدامات تروریستی از نگاه آمریکایی.....(۳-۱۰)
۶۶	.....رویکرد آمریکا نسبت به تروریسم.....(۳-۱۱)

### فصل چهارم : مکانیسم های امنیت سازی نومحافظه کارانه، جنگ جهانی علیه تروریسم

۶۹	.....منطق امنیت سازی نومحافظه کارانه.....(۴-۱)
۷۸	.....چگونگی امنیت سازی نومحافظه کارانه.....(۴-۲)
۸۷	.....مدل مهندسی گسل های بحران در فرآیند امنیت سازی نومحافظه کارانه.....(۴-۳)
۸۹	.....مدل بیولوژیک امنیت سازی نومحافظه کارانه : هژمون به مثابه لئوسیت.....(۴-۴)
۹۲	.....نتیجه گیری.....
۹۶	.....منابع و مآخذ.....

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۲۴.....	جدول ۱-۲) انواع مجتمع های امنیتی منطقه ای
۷۲.....	جدول ۱-۴) منطق ها و رویکردهای کلان در سیاست خارجی آمریکا
۸۴.....	جدول ۲-۴) منافع ملی ایالات متحده آمریکا به تفکیکی اهمیت ، محیط های امنیتی و مناطق



## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۱۱	نمودار ۱-۱) چرخه تفسیری از فهم امنیت و امنیت سازی
۸۰	نمودار ۱-۴) محیط ها و رفتار امنیتی آمریکا در قبال آنها
۸۲	نمودار ۲-۴) چالش های امنیتی بر علیه ایالات متحده

## فهرست شکل ها

صفحه	عنوان
۱۸.....	شکل ۱-۲) انواع محیط .....
۲۰ .....	شکل ۲-۲) انواع محیط در نظام بین المللی.....
۷۲ .....	شکل ۱-۴) چرخه ی منطق نومحافظه کاری در سیاست خارجی آمریکا.....

## مقدمه

در سالهای آغازین قرن بیست یکم اتفاق تکان دهنده ای در ایالات متحده رخ داد که باعث شد تا یک دهه بعد و چه بسا تا سالیان سال، در سیاست خارجی و امنیتی این کشور تحولات شگرفی اتفاق بیفتد. در یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱، تروریست های سازمان القاعده با ربودن چندین هواپیمای مسافربری به اهداف مختلفی در شهرهای آمریکا حمله کردند و با بر جای گذاشتن بیش از ۳۰۰۰ نفر کشته، رعب و وحشت جهانی و بهت آمریکایی ها را سبب شدند.

پس از این اتفاق و سلسله پیامدهای آن، دولت وقت آمریکا به رهبری جورج بوش پسر و با تسلط مطلق محافظه کاران طرحی جدید در حوزه ی امنیتی در انداخت که بر مبنای آن یک جنگ گسترده بر علیه تروریسم آغاز می شد. دامنه ی جنگ همانند یک جنگ جهانی در نقاط مختلف جهان، از اندونزی گرفته تا افغانستان و عراق و حتی آفریقا و اروپا تعریف می شد.

در این جنگ تروریست ها کسانی بودند که با استفاده از ایدئولوژی و تکنولوژی های گوناگون در بستری نامتقارن بر علیه اهداف انسانی و عموماً غربی وارد نبرد شده بودند. به این ترتیب امکان داشت در هر کجای دنیا چنین افرادی وجود داشته باشند، زیرا پیشرفت های فراوان ارتباطاتی موجب می شد که زمان و مکان در مفهومی به نام جهانی شدن، در یکدیگر ادغام شده و محیط های جدیدی را برای انسانها پدید آورند. به همین لحاظ دکترین امنیتی ایالات متحده در پس از یازده سپتامبر به وسعت کره خاکی تعریف می شود.

اما این تنها یک وجه از سیاست های امنیتی پیچیده ی ایالات متحده در دوران جدید می باشد. عوامل دیگری نظیر زیربنای فکری و عقیدتی سیاستگذاران و مجریان، منافع گوناگون، گفتمان سازی امنیتی و سیاست خارجی، محیط های همگرا، واگرا و متخاصم در چهارچوب تهدیدی مهلک به نام تروریسم، هویت و ماهیت آنچه دشمن خطاب می شود یک بسته ی چند بعدی با متغیرهای متنوع و در هم پیچیده

را می سازد که در صورت عدم توجه به هریک از وجوه آن ، رفتار امنیتی دچار اختلال و ناکامی خواهد شد .

رساله ای که در پیش روی شما دارید ، با عنوان «امنیت سازی نومحافظه کارانه : جنگ جهانی علیه تروریسم» ، با این نیت و هدف شکل گرفته است تا زوایایی مختلف رویکرد امنیتی دولت نومحافظه کار آمریکا در دوره ی جورج بوش پسر را با ابزاری متناسب مورد کالبد شکافی و تحلیل و تشریح قرار دهد تا به فهم کانونی از رفتار امنیتی ایالات متحده در این برهه تأثیرگذار دست پیدا کند . در این مسیر تلاش شده است تا در حد بضاعت از چشم اندازی جدید به امنیت سازی نومحافظه کارانه پرداخته شود ، به گونه ای که در نهایت به نقطه مرکزی و کلیدی که می تواند پارادایم امنیت سازی با خصلت نومحافظه کاری باشد ، دست پیدا کنیم . بر این اساس از جمله اهداف این تحقیق را می توان به تلاش در جهت دستیابی به یک الگوی رفتاری در مطالعه رویکرد دولت بوش در حوزه راهبرد های سیاست خارجی و امنیتی و همچنین ارائه روایت های به روزتر از درک و فهم انگیزه ها و عملکرد ایالات متحده در دوره زمامدار نو محافظه کاران در کاخ سفید اشاره کرد.

سوال اصلی و کلیدی این رساله عبارت است از : «ریشه ها و پیامدهای دکترین امنیتی بوش پسر در پس از یازده سپتامبر شامل چه مؤلفه هایی است ؟» که پاسخ و فرضیه مشتمل بر آن نیز به قرار زیر است : «راهبرد بوش از طریق بازتعریف هویت ملی آمریکا ، با اتخاذ رویکرد اخلاقی در قبال تروریسم جهانی ، موجب ارتقای نقش جهانی آمریکا به عنوان ابر قدرت مسلط می باشد.» همچنین متغیرهای مستقل این پژوهش شامل «دستیابی به جایگاه هژمون از سوی ایالات متحده» و «تفکرات و اصول نومحافظه کارانه» و متغیرهای وابسته در برگیرنده ی «راهبرد کلان امنیتی / رویکردهای امنیت\_ سازانه / گفتمان نوین جنگ جهانی علیه تروریسم» می باشند .

در این مسیر ۴ گام پیش بینی شده است که در قالب ۴ فصل در این رساله گنجانده شده اند :

در فصل اول در جستجوی مدلی مناسب از امنیت پژوهی هستیم؛ به گونه ای که نزدیک ترین قالب برای فرآوری اطلاعات و داده ها برای استنتاج و نیز ارائه الگو را در اختیار داشته باشیم. در این فصل که با عنوان امنیت پژوهی مشخص شده است، سه شیوه ی کلان در امنیت پژوهی مورد بررسی قرار گرفته اند که شامل رویکرد اثبات گرایانه، رویکرد تفسیری و رویکرد انتقادی هستند. نگارنده با کنکاش در زوایای هر یک از روش های مزبور به دنبال گزینش بهترین شیوه از میان این رویکردها است تا به عنوان یک ابزار کارآمد برای بیان الگوی نومحافظه کاری از آن بهره بگیرد.

در دومین فصل از فصول چهارگانه، به واکاوی در مورد متغیر محیط و محیط امنیتی به عنوان یکی از اجزای اصلی تحلیل پرداخته شده است. دیدگاه محیط محور نسبت به سطوح تحلیل یک فضای مختلط را تصویر می نماید تا با اتکای بر آن ویژگی انسجام الگوسازی تا حد ممکن ارتقا بخشیده شود. در این فصل، کوشش شده است تا با ترسیم ابعاد مختلف محیط، یک ساختار و بافتار قوی برای اسکلت بندی الگوی امنیت سازی بنا شود تا بر اساس آن هم سطح تحلیل و هم صحت تحلیل دارای قوام و دوام مناسبی باشد.

در گام سوم این رساله، به سراغ معرفی و شناخت پدیده تروریسم رفته ام. از این جهت برای تروریسم عنوان «پدیده» را ذکر می کنم زیرا در مورد تعریف قطعی آن، هیچ اتفاق نظر قطعی وجود ندارد. بطوری که حتی از منظر نهادهای ایالات متحده نیز، با توجه به نقش و مسئولیت هر یک در ساختار حاکمیتی و حکومتی، تروریسم دارای ابعاد و تعریف مختلفی است. همچنین در فصل سوم به ویژگی های تروریسم، دوره های تاریخی و عوامل موثر بر پدیده تروریسم نیز اشاره شده است.

در فصل چهارم که بخش نهایی در چیدمان ترسیم الگوی امنیت سازی نومحافظه کارانه است تلاش کرده ام تا با تلفیق مدل های چندگانه و استخدام مفاهیمی چون محیط امنیتی و نظم گلوبالیستی، منطق های سیاست خارجی و همچنین ارائه دو مدل جدید مهندسی و بیولوژیک در امنیت سازی، گام نهایی را برای نتیجه گیری مناسب برای تفسیر نزدیک به واقع از امنیت سازی نومحافظه کارانه بردارم.

در مسیر ۴ مرحله ای که شرح مختصری از آن ارائه شد ، مشکلی که بیش از همه مهم جلوه می نمود،اطلاعات و تحلیل های مبتنی بر آنها بود . اطلاعاتی که مختلف ، چند وجهی و گاه به شدت متناقض که امکان قضاوت و تفسیر ( هدف اصلی رساله ) را بسیار مشکل می نمودند . در تهیه این پایان نامه و نظایر آن با سه دسته از اطلاعات مواجه هستیم :

### ۱.Data

### ۲.Information

### ۳.Intelligence

دسته اول شامل اخبار و و اطلاعات خبری بودند که برای کاربرد در این رساله مناسب نبودند ، زیرا ما به دنبال ارائه خبرهای مربوط به یک دهه گذشته نبوده ایم. دسته سوم نیز ، بنا به ماهیت این اطلاعات در دسترس همگانی قرار نداشتند . دسته ی دوم نیز که انبوه تحلیل های مختلف را در بر می گیرند ، باید از یک فیلتر که همانا انسجام در انعطاف نتیجه گیری باشد ، عبور می نمودند . بنا بر مقتضای این مانع ، آنچه که به عنوان مورد استفاده و ارزیابی قرار گرفته است ، بر شاکله ی ذهنی و استنتاجی نویسنده استوار بوده است .

امید است تا با بهره گیری از نظرات کارشناسی و انتقادات مشفقانه هر گونه عیب و قصور این رساله برطرف شده و مورد بهره گیری علاقمندان به حوزه ی امنیت و سیاست خارجی ایالات متحده قرار بگیرد .

# فصل اول

## سه روش در

### مطالعه امنیتی

بطور کلی پیرامون مطالعه موضوعات امنیت محور، علاوه بر نظریات متنوع روابط بین‌الملل، سه روش عمده نیز عنوان شده است که تقریباً منطبق با روش‌های تحقیق مرسوم می‌باشد. این سه روش که در پی یک مسیر تاریخی و بر اثر تحولات نظری و علمی گوناگون سربرآورده و تاکنون مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از:

الف) روش اثبات گرایانه یا اثباتی

ب) روش تفسیری

ج) روش انتقادی (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۸۰)

در ادامه به بررسی و معرفی شیوه‌های سه گانه فوق می‌پردازیم و با توجه به اینکه هر کدام از این روش‌ها متضمن قواعد و نتایج ویژه‌ای می‌گردند، تلاش خواهیم کرد تا از بهترین روش برای تجزیه و تحلیل داده‌های مورد نیاز این رساله بهره‌برداری نماییم.

## ۱-۱) روش اثباتی در مطالعات امنیتی

در این شیوه که رابطه مستقیم با طبیعت و عینیت و تجربه دارد، به گونه‌ای که اساس مطالعات اثبات گرایانه را رقم می‌زنند، دو زیر شاخه اصلی وجود دارند که بر اثر متغیر زمان قابل بررسی هستند.

۱) مطالعات کلاسیک

۲) مطالعات مدرن (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۳)

در گونه اول یعنی مطالعات کلاسیک اثبات گرایی، شاهد یک رویکرد نسبت به امنیت هستیم که بر محورهای زیر استوار است:



(۱) اصل سیاست قدرت

(۲) سطح تحلیل بر پایه دولت - ملت‌ها

(۳) جنگ به عنوان یک عامل امنیت ساز و یا امنیت سوز

همچنین در روش شناسی و یا معرفت شناسی، طبیعت و مشاهده و استنتاج بر مبنای آن، اسکلت اصلی و اساسی مطالعات را تشکیل داده که با نتایج حاصل از آن به تحلیل و یا تجویز سیاست‌های امنیتی پرداخته می‌شود. (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۳۹-۲۴)

در چهارچوب نگاه اثبات گرایانه به امنیت دو رویکرد غالب وجود دارد که یکی سلبی است و امنیت را در قالب فقدان تهدید جستجو می‌کند از سوی دیگر، چون به لحاظ تاریخی و سیر تحولی، بیشترین تهدید محیطی از جانب طبیعت محاسبه می‌شده است، لذا رویکردهای امنیتی اولیه اساساً سخت افزاری بوده و به دفع تهدید از طریق برتری بلامنازع سخت افزار قائل بوده‌اند. وجه دیگر اثبات گرایی کلاسیک، مواجهه ایجابی با امنیت و تهدید را مدنظر قرار می‌دهد به این ترتیب که با الگو گرفتن طبیعت به مثابه یک سیستم، می‌توان فرمول‌های امنیتی را از آن استخراج کرده و به کار بست که البته این فرمول‌ها و الگوهای رفتاری ناشی از آنها تابع شرایط گوناگون خواهند بود. از سوی دیگر می‌توان طبیعت را شامل «مجموعه‌ای از اصول ثابت» لحاظ کرد که با به کارگیری آنها یک امنیت حداکثری - و نه مطلق - را می‌توان پدید آورد. به طور کلی می‌توانیم اثبات گرایی کلاسیک و نسخه تجویزی آن برای ساخت امنیت را در دو انعشاب «بدبینانه» و «خوش بینانه» به شمار آوریم که یادآور نظریات واقع‌گرایی در روابط بین‌المللی هستند. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۸۵) دیدگاه بدبینانه در پی آنارشی و فقدان نظم و حل معمای امنیت از طریق «تأسیس امنیت» و نیل به «وضعیت قانونی» است. به عبارت دیگر این دیدگاه دستیابی به امنیت را از طریق ساختن و حفظ آن پیشنهاد می‌کند در حالی که نگرش خوش بینانه به ساز و کارهای طبیعی اعتقاد داشته و اظهار می‌دارد که امنیت به طور طبیعی قابل دستیابی است و اگر متغیرهای مداخله‌گر و مزاحم این ساز و کارهای طبیعی را خنثی نکند، امنیت توسط اصول حاکم طبیعت تنظیم می‌گردد.

اما رویکرد دوم در روش اثبات گرایانه محصول جرح و تعدیل این نحله شناختی و معرفی توسط نظریات سیاست مدرن می‌باشد، هنگامی که اثبات گرایی از توصیف و توضیح تحولات شتابان امنیتی و سیاسی عقب ماند، آنچه که به عنوان نگاه فرامدرن می‌شناسیم جای خود را در میان تحلیل‌ها و مطالعات باز کرد. این رویکرد جدید نتوانست اثبات گرایی را محو کند ولی باعث شد تا اثبات گرایان با بازسازی و بازنگری انگاره‌های خود بار دیگر به صحنه بازگردند و تلاش نمایند تا انطباق بیشتری میان خود و تحولات متنوع بین‌المللی ایجاد نمایند. (ساندرز، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۰۸) این تغییرات در نهایت منجر به ظهور محتوای اثبات گرایانه در قالب جدید و مدرن شد.

در اثبات گرایی مدرن آنچه که بیش از همه جلب توجه می‌کند متأثر از مطالعات پست مدرن و انتقادات سنگین آنها از اثبات گرایی کلاسیک است که عبارتند از:

(۱) پذیرش تعدد بازیگران در محیط بین‌المللی

(۲) کاهش اهمیت نظامی گری، سخت افزار گرایی به عنوان تنها و مهم ترین رکن امنیت گروهی قدیم و لحاظ کردن متغیرهایی نظیر اقتصاد، محیط زیست، مهاجرت و مانند اینها. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۵۶)

ویژگی امنیت پژوهی اثبات گرایانه در دوران جدید آن بوده است که فضای محدود در محاسبات امنیتی کلاسیک را وسعت بخشیده و طیفی از معادلات مرکب از آرمانگرایی و واقعگرایی را ارائه می‌دهد. به گونه‌ای که هم می‌تواند هژمون گرایی را دربرگیرد و هم نظریات واقعگرایان لیبرال را توضیح دهد.

اما اگر اثبات گرایی مدرن مولود اصلاح زاویه دید اثبات گرایی کلاسیک از طریق خودبازبینی انتقادی بود، ولی آنچه توسط اثبات گرایی مدرن تولید شد، تحت تأثیر وقایع بین‌المللی مانند یازده سپتامبر، کارکردهای قدیمی اثبات گرایی را شامل می‌شود و به این ترتیب روش‌های جدید حل مسئله در خدمت گره‌ها، منافع و دستورکارهای سنتی قرار می‌گیرند.

در چنین شرایطی است که در بازه‌ی زمانی مورد نظر این رساله، شاهد عملکردی از تصمیم‌گیران ایالات متحده هستیم که تداعی‌کننده‌ی دوران ستیزش جنگ سرد و یا جنگ‌های جهانی اول و دوم می‌باشد. آنچه که می‌تواند در این راستا مورد توجه قرار گیرد این است که حوزه امنیت و زیرمجموعه‌های مرتبط با آن، اهمیت ماهوی خود را هرگز از دست نخواهد داد حتی اگر شیوه‌های ساخت و تحلیل امنیت دچار تغییرات اساسی شود.

### ۱-۲) روش تفسیری در امنیت پژوهی

همانطور که تا حدودی اشاره شد، نگرش تفسیری حاصل بر ملا شدن کاستی‌های اثبات‌گرایی کلاسیک و عدم واکنش مناسب این نحله فکری به تغییرات و تحولات اجتماعی بوده است. آنچه که در مکاتب تفسیرگرایانه به طور کلی و نگاه تفسیری به امنیت به طور خاص ملاک مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد حرکت از چهارچوب طبیعت محور و اثبات‌گرایی به سمت توسعه نظرات بر مبنای زیر ساخت‌های پست مدرن است که از جمله آنها می‌توان به مکاتب گفتمانی، سازه‌انگاری، فمینیستی و غیره اشاره کرد. (میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۱۰۵)

ولی آنچه که در میان زیرمجموعه‌های مکتب تفسیری مشترک است تلاش برای درک معنا و مفهوم رفتار است. به عنوان مثال اگر یک اقدام تروریستی زیر ذره بین مکتب تفسیری قرار بگیرد، آنچه که مورد جستجوی پژوهشگر است عبارت خواهد بود از انگیزه، معنا و پیغام آن رفتار تروریستی اعم از چگونگی وقوع، علت وقوع، ابزار و پیامدهای حادثه تروریستی. مکتب تفسیری در حوزه امنیت می‌کوشد تا انگیزه و محرک‌های رفتاری را شناسایی کند زیرا معتقد است دو رفتار مشابه الزاماً با نیت واحد انجام نمی‌شود. همانطور که ممکن است دو بازیگر اقدام به ائتلاف با یکدیگر نمایند در هر حالی که هر کدام به دنبال منافع خاص خود هستند. لذا رویکرد تفسیری بر آن است تا با کشف انگیزه به عنوان علت رفتار به جوهر و درون مایه سیاست (در اینجا ماهیت و کیفیت امنیت‌سازی) پی ببرد.

علاوه بر اینها مکتب تفسیری امنیت و معنای آن را در سه حوزه جستجو می‌کند:

امنیت بازیگر برای انجام یک عمل

(۱) چهارچوب (Context) عملکرد

(۳) کیفیت اجرای یک سیاست

به این ترتیب مکتب تفسیری با برقراری اتصال میان پیش زمینه، کیفیت و ماهیت یک رخداد آن را ارزیابی می‌کند. به این ترتیب ویژگی مکتب تفسیری نگاه به فاعل و شکافت لایه‌های رفتاری و انگیزشی اوست. البته این معنای تغافل از سایر بازیگران دیگر نیست زیرا امنیت و امنیت سازی یک آوردگاه اجتماعی را پدید می‌آورد که «تعامل» شاخصه بارز آن محسوب می‌شود. خواه تعامل مثبت باشد یا منفی و یا اینکه دربرگیرنده یک واکنش انفعالی باشد. چه اینکه «بی عملی» نیز معلول انگیزه و چهارچوب و کیفیت یک رویکرد امنیتی است (مانند راهبرد انزوا طلبی و یا بی‌طرفی در یک جنگ منطقه‌ای). از این رو براساس دو جهت گیری کلی «حفظ وضع موجود» و «تغییر وضع موجود» اشکال مختلف سیاست‌های امنیتی در قالب‌های سلطه (هژمونی)، سیاست قدرت (کسب و یا حفظ قدرت برتر)، اقناع (توجه سایر بازیگران براساس قدرت موجود بدون توسل به زور) و یا وابستگی در طیف‌های مختلف قابل مشاهده و مذاقه هستند. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۷۶-۷۴)

عنصر مهم دیگر در مکتب تفسیری امنیت، وجود یک یا چند مجرا برای ظهور و بروز سیاست‌ها است. به عبارت دیگر نگاه تفسیری به امنیت نیازمند ارائه ساختارهایی (structure) است که انگیزه (ذهن) را به فیزیک (عینیت) تبدیل کند. با توجه به اهمیت ژئوپلتیک در سیاست‌های امنیتی، معمولاً (و نه همواره) ملاک ساختارهای رفتار امنیتی بر همین اساس طراحی می‌شود به گونه ای که سه محیط داخلی، منطقه‌ای و جهانی و ترکیب آنها با سایر ابعاد محیط‌های امنیتی (از قبیل محیط داخلی، محیط خارجی، محیط فیزیکی، محیط اجتماعی، محیط روانی و غیره) مجاری رفتارهای امنیتی را رقم می‌زنند.

همچنین در مورد شباهت مکاتب تفسیری و اثبات گرایی باید اشاره نمود که اگر اثبات گرایی به دنبال کشف اصول و الگوهای طبیعی است، تفسیرگرایان نیز برای اعمال اجتماعی، ضوابط و الزاماتی قائل